

۳۱ سال پیش در چنین روزی ایرانی‌ها به عزای هتک حرمت عتبات عالیات توسط رژیم بعث عراق نشستند

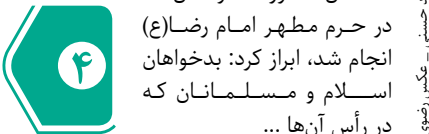
جنایت با چراغ سبز غرب

۲

تولیت آستان قدس رضوی
در دیدار علمای مسلمان هند:

استکبار از اتحاد جهان اسلام واهمه دارد

تولیت آستان قدس رضوی اتحاد مسلمانان را موجب نابودی دشمنان اسلام و استکبار جهانی دانست و گفت: استکبار از اتحاد جهان اسلام و قدرت امت مسلمان واهمه دارد.حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی در دیدار جمعی از علمای مسلمان کشور هندوستان که در حرم مطهر امام رضا(ع) انجام شد، ابراز کرد: بدخواهان اسلام و مسلمانان که در رأس آن‌ها ...



منبر مجازی

کجا مدارا کنیم؟



حجت‌الاسلام رفیعی | «مدارا» از حیث رفتاری یک شیوه تعامل با مردم و دیگران است... ساده‌اش این است که من با اطرافیان خودم بسازم، کلمه مدارا به معنی نرم‌خویی، ساختن و کوتاه آمدن و انعطاف است نه سستی. رسول خدا فرمود آیا به شما بگویم چه کسی جهنم بر او حرام است؟ گفتند: بله. فرمود: «اللین»... یعنی آدمی که خیلی نرم‌خو است، نزدیک است، بجران‌ساز نیست، مسئله ایجاد کن نیست، طلبکار نیست. دیدید بعضی‌ها از زمین و زمان طلبکار هستند، یعنی هر جوری با آن‌ها برخورد کنید از شما طلب دارند. زیاد بروی خانه‌اش یک جوری، کم بروی یک جوری. برای دعوت کردنش کارت بدهی می‌گویند چرا کارت داد؟ زنگ بزنی می‌گویند ما را کم حساب کرد! این بد است، خیلی بد است... آدم‌های مدارا با دیگران نیستند، آدمی که می‌خواهد برای خودش یک حساب ویژه باز کند، همه خادم من مخدوم، این نمی‌شود. این‌ها در زندگی خودشان هم اذیت می‌شوند. تعاملشان با دیگران کم می‌شود، همیشه خودخوری دارند، کسی با این‌ها مسافرت نمی‌رود، کسی با این‌ها رفت و آمد نمی‌کند، آدمی که همواره باید ملاحظه‌اش را کرد و به قول معروف در خدمتش بود. این‌ها مقداری سخت است.

مدارا شیوه‌های مختلفی دارد مثل گذشت، تغافل، خوش برخوردی، حسن ظن. انواع و اقسامی هم دارد. مدارا با مخالفین، ما دو جور مخالف داریم... مخالف اعتقادی، مخالف عملی. مخالف اعتقادی یعنی کسی که عقیده‌اش با بنده یکسان نیست، من مسلمان هستم، او مسیحی است، یهودی است، مشرک است، لایک است، اعتقاد غیرالهی دارد... با این‌ها باید مدارا کرد... نباید درگیری داشت... اما گاهی مخالف عملی است... یعنی فرزند مرا هم می‌خواهد بکشاند سمت بی‌خدایی... فتنه می‌کند... پیامبر(ص) در برخورد با مخالفان عملی که فتنه می‌کردند، قَاتِلُوْهُمْ حَتّٰی لَا تَکُوْنَ فِتْنَةً، عمل می‌کردند ... یکی از موارد مدارا، مدارا با بیماران است. حالا این بیمار ممکن است بیمار فکری باشد، حافظه‌اش را از دست داده است... می‌روید قرص بدهید دارو بدهید ندنی می‌کند... مدارا با بیمار فقط صبر و تحمل نیست... اینکه رفتید عیادتش زیاد ننشینید... هی نپرسید بیماری‌ات چیست، پایت چرا قطع شد و... مدارا با گنهکار هم خیلی مهم است... البته منظور مدارا با گنهکار جری نیست، گنهکار تائب است، یعنی آمده است می‌گوید من فلان خطا را کردم، حالا چه کار کنم... به این‌ها امید بدهید... ما تنها یک گناه داریم که قابل آموزش نیست آن هم شرک است... ایجاد یأس در گنهکار کار خطایی است، ایجاد ناامیدی در گنهکار کار اشتباهی است، باید امید داد.

درباره یکی از قدیمی‌ترین بازارهای مشهدالرضا(ع) که روزگاری مهم‌ترین مکان تجاری شهر بود

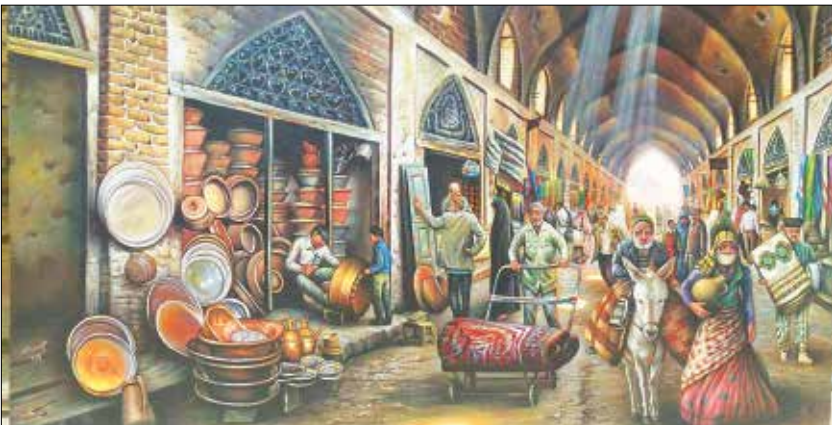
سرگذشت بازار «زنجیر»

چند وجود زنجیر در بازار «زنجیر»، حریم حرم رضوی را معلوم می‌کرد، اما همه مردم می‌دانستند که این حرمت، اولاً از آن زائران و ویژه تکریم آن‌هاست و ثانیاً هشداری است برای آن‌ها که ورودشان به حریم حرم، نوعی توهین و بی‌اعتنایی به جایگاه والای حضرت ثامن‌الحجج(ع) است؛ چه کسانی؟ مثلاً افرادی که عذر شرعی داشتند یا کسانی که مسلمان نبودند. شاید بگویید که از منظر شرعی، عبور از بازاری که در محدوده حرم قرار دارد، ظاهراً برای این افراد بی‌اشکال است؛ حق با شماست، اما آنچه در بازار زنجیر وجود داشت و رعایت می‌شد، نگاهی عرفی به مقوله حرمت حرم رضوی بود؛ رسمی که به ادب مجاوران حریم حرم بازمی‌گشت؛ هم آن‌ها را به رعایت حرمت صاحب این بارگاه مطهر وامی‌داشت و هم به زائران و افراد غریبه‌ای که وارد مشهد می‌شدند، یادآوری می‌کرد که به چه مکان مقدسی پا گذاشته‌اند و باید

برخی دلیل دیگری را هم برای این نام‌گذاری در نظر می‌گیرند؛ آن‌ها می‌گویند علت نام‌گذاری بازار زنجیر، زنجیرهای متعددی بود که با فاصله‌های منظم از سقف بازار آویزان کرده بودند و بازاریان در ایام جشن و عزاداری، چنان که اشاره کردیم، برای آذین‌بندی یا آویختن پرچم عزا از این زنجیرها استفاده می‌کردند. به نظر می‌رسد بتوان هر دو دلیل را برای نام‌گذاری بازار زنجیر، موجه دانست؛ اما با توجه به روایتی که درباره زنجیر آویخته میدانچه وجود دارد، تمایل محقق و پژوهشگر بیشتر به سمت این دلیل است.

■ حقیقت زنجیر آویخته

زنجیر آویخته از سقف بازار «زنجیر»، ارتباط مستقیمی با مفهوم بست‌نشینی داشت؛ این زنجیر، محدوده حرم مطهر را تعیین می‌کرد؛ جایی که واردشدگان به آن، از حمایت و امنیت برخوردار



بازار بزرگ شهر که از کوچه سرشور امروزی آغاز می‌شد و تا ابتدای خیابان طبرسی کنونی امتداد داشت، مهم‌ترین معبر شهر مشهد بود. بر خی ساخت این بازار را مربوط به دوره تیموری می‌دانند؛ زمانی که گوهرشاد خاتون سنگ بنای مسجد شهر را گذاشت.

حرمت صاحب این حرم را نگه دارند و از رفتارهای دون شأن چنین مکان‌هایی برحذر باشند، چه رسد به معاصی و گناههایی که شرع انور از آن‌ها نهی کرده است. در واقع باید زنجیر آویخته در «بازار زنجیر» را نماد نوعی امر به معروف و نهی از منکر بدانیم؛ رویکردی که شاید در برخی برهه‌های تاریخی فراموش شد و زمینه سودجویی و سوءاستفاده بعضی‌ها را فراهم آورد.

و از تعقیب و آزار مصون بودند. این مسئله در طول زمان موجب سوءاستفاده برخی شد و گاه افراد بزهکار هم با عبور از بست، خود را در برابر تعقیب مأموران ایمن می‌کردند. همین سوءاستفاده سبب شد برخی مورخان، آگاهانه یا ناآگاهانه، زنجیر بازار مشهد را نماد یک دیدگاه خرافی بدانند و با تکیه بر اقدا‌های تعدادی فرصت‌طلب، آن را از اساس فاقد وجاهت فرض کنند، در حالی که چنین نیست. هر

محمدحسین نیکبخت| درباره تاریخچه بازارها و سراهای تجاری اطراف حرم مطهر، یک بار به تفصیل صحبت کردیم و تقریباً از تمام آن‌ها نام بردیم و حتی در برخی موارد، دلیل نام‌گذاری این مکان‌ها را هم توضیح دادیم؛ اما فرصت پیش نیامد که درباره بازار «زنجیر»، بازاری که قدیمی‌های مشهد و زائران کهنسال حرم مطهر امام رضا(ع) آن را خوب می‌شناختند و می‌شناسند، اما جوان‌ترها شاید فقط نامی از آن شنیده باشند، بیشتر صحبت کنیم و برخی ناگفتنی‌ها را درباره‌اش بگوییم. شاید خیلی‌ها ندانند که بازار زنجیر، روزی روزگاری بهترین بازار شهر مشهد بود و زائران حرم رضوی برای خرید سوغاتی و احتیاجات روزمره، بیش از هر بازار دیگری در مشهد، سراغ آن را می‌رفتند. بازار زنجیر در اعیاد و عزاداری‌ها، به شکلی بسیار زیبا و منظم آذین‌بندی می‌شد و کسبه آن بیش از مغازه‌داران دیگر بازارها، به برگزاری چنین مراسم‌هایی اهتمام داشتند.

■ «هشتی» تاریخ‌ساز بازار مشهد

تا پیش از ساخته شدن خیابان مشهد (متشکل از بالاخیابان و پایین‌خیابان) در دوره شاه‌عباس یکم صفوی، بازار بزرگ شهر که از کوچه سرشور امروزی آغاز می‌شد و تا ابتدای خیابان طبرسی کنونی امتداد داشت، مهم‌ترین معبر شهر مشهد بود. برخی ساخت این بازار را مربوط به دوره تیموری می‌دانند؛ زمانی که گوهرشاد خاتون سنگ بنای مسجد شهر را گذاشت و گذگاهی در کنار مسجد و در امتداد بازار کهنسالی که به سمت جنوب امتداد داشت، شکل گرفت. این بازار، چنان که رسم و الگوی بازارهای ایرانی بود، در برخی بخش‌های مسیر خود، فضایی مدوّر و شبیه یک میدانچه داشت که به «هشتی» معروف بود. هشتی‌ها معمولاً برای بازارهای مسقف آن دوره، نورگیر اصلی محسوب می‌شدند و علاوه بر این، محل تقاطع گذرهای مختلف بازار هم بودند. نزدیک‌ترین هشتی به حرم مطهر، جایی مقابل «سرای شالفروشان» بود. در این هشتی، زنجیری را از بالای نورگیر تا وسط میدانچه آویزان کرده بودند؛ زنجیری که از میانه به دو قسمت تقسیم و هر بخش آن به یکی از دیوارهای طرفین بازار متصل می‌شد. به همین دلیل، به این بخش از بازار که نزدیک‌ترین مکان به حرم رضوی بود، «بازار زنجیر» می‌گفتند.



ویژه فرهنگ و معارف رضوی
| سال دوم | ویژه نامه ۳۴۱ |

شرح حدیث/ حاج آقا محبتی تهرانی

آن قدر که به پول اهمیت می‌دهی به عملت هم اهمیت بده

۲



بر اساس ارزیابی شورای بین‌المللی ایکوم ایران محقق شد

۸ رتبه برتر برای موزه آستان قدس رضوی

۴

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

نهضت بازگشت به مسجد احیا شود

۲

در اندیشکده هیئت مطرح شد

هیئت بدون مسجد نمی‌تواند به تمدن اسلامی برسد

۳

اعلام زمان اختتامیه جشنواره «قصه‌گویی قرآنی تبیین»

۴

خبرستان

سلام فرمانده، کوه‌های کلبر و سبک مصطفی اسماعیل

■ خبر اول / دعوت محمود کریمی

حاج‌محمود کریمی با انتشار یادداشتی از کودکان و نوجوانان خواست در مراسم اجرای سرود سلام فرمانده ورزشگاه آزادی شرکت کنند.

آن طور که خبرگزاری «مهر» گفته، کریمی در این یادداشت کوتاه نوشته است: بسم الله الرحمن الرحيم ...کودکان و نوجوانان هیئت رایة العباس(ع) سلام علیکم... رفقا اگر من به جای شما بودم به جای شرکت در جلسه پنجشنبه هیئت برای اجرای سرود «سلام فرمانده» به ورزشگاه آزادی می‌رفتم.

■ خبر دوم / تلاوت در کوهستان



می‌گویند صعود به کوه و دیدن عظمت و صلابت کوه‌ها، اگر اهل دل باشیم آدم را به یاد عظمت خداوند می‌اندازد. حالا اگر کسی پیدا بشود و آنجا با صدای خوش قرآن هم بخواند که می‌شود نور علی نور. مثل برخی قاریان بین‌المللی کشورمان که با حضور در ارتفاعات ارسباران در شهرستان کلبر به صورت جمعی آیاتی از کلام‌الله مجید را تلاوت کردند. جمعی از قاریان بین‌المللی کشورمان طی روزهای گذشته با حضور در ارتفاعات شهرستان کلبر استان آذربایجان شرقی به همخوانی آیاتی از سوره مبارکه بقره به سبک مصطفی اسماعیل، قاری شهر مصری پرداختند. در این همخوانی احمد ابوالقاسمی، محمدرضا پورزنگری، مهدی عادل‌لی، حمیدرضا احمدی‌وفا، امین پویا، محمدهادی صلح‌جو و مهدی غلام‌نژاد حضور داشتند.

نیمکت زندگی



عروسک‌ها آواز می‌خوانند

رقیه توسلی | درباره‌اش واقعاً می‌شود گفت اشرف مخلوقات است؛ کم‌حرف، دست به خیر، خستگی‌ناپذیر، مغز متفکر، پُرصبر و کارگشا.

کاملاً اتفاقی توی اسباب بازی فروشی می‌بینمش... با سر اشاره می‌کند به کیسه‌ها و نایلون‌های تلنبار شده بیرون مغازه و توضیح می‌دهد کار زنان هنرمند جنوب و شرق است. می‌گوید: ۳۰ زن سرپرست از این سفره، روزی می‌برند خونه‌هاشون. دیگه از خدا چی بخوایم بهتر از این؟ نگاهش می‌کنم. هنوز همان آدم

حسابی‌ست. همان خانم باجتم و دلسوزی که می‌شناختم. همان که دلش می‌تپید برای یک محیط زیست سالم. همان که چند سال پیش کمک کرد، پیگیری کرد و سرانجام یکی دو روستای بییلاقی را بعد از پاک‌سازی و زیباسازی تبدیل کرد به روستاهای نمونه گردشگری و کلی موقعیت شغلی و کار و بار و روزی برای مردمش. آن وقت‌ها می‌گفت حال بد، مسری‌ست. آشغال‌ها را که برداریم و آموزش که بدهیم به مرور اتفاق‌های خوب می‌افتد. می‌گفت تردید، دشمن کار خوب است.

خانم دکتر هنوز فرقی نکرده، عین آن وقت‌ها شکسته نفسی‌اش زیاد است و دوست دارد از هر دری حرف بزند جز از گره‌گشایی‌هایی که کرده. به این خلق حسنه‌اش عادت دارم. موقع خداحافظی دو تا عروسک «لوپتو» از کیسه می‌کشد بیرون و می‌گذارد توی دستم. لوپتوی بی‌بی و لوپتوی نوزاد. پارچه گلدار لباس بی‌بی خیلی قشنگ است. نمی‌شود خویشتنداری کنم دیگر و با صدای بلند قربان صدقه‌شان نروم... قربان صدقه رفیقی که اشرف مخلوقات است و

پی‌نوشت

از رسول اکرم(ص) سؤال شد محبوب‌ترین مردم در پیشگاه خدا کیست؟ پیامبر فرمودند: کسی که بیشترین سود و خدمت را به مردم برساند.